

## مطالعه فقهی سازمان یافتگی جرم در پرتو اعانه بر اثم\*

□ حمید سلیمانی\*\*

### چکیده

امروزه جرایم غالباً به صورت تشکیلاتی و سازمان یافته شکل می‌گیرند و چون با تشکیلات هدفمند و برنامه‌ریزی شده با داعی خاص و به‌طور مستمر فعالیت می‌کنند، به مراتب از جرایم عادی خطرناک‌تر هستند و توان مقابله و مجازات شدیدتری می‌طلبند. جرم سازمان یافته به صورت گروهی، هدفمند و از روی تباری و مستمر در جهت کسب منافع مادی صورت می‌گیرد. یافته‌های پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای به دست آمده است و در پی آنست تا سازمان یافتگی جرم را با اعانه بر اثم از حیث عناصر و مجازات مورد تحلیل و جست‌وجو قرار دهد.

دستاورد پژوهشی نویسندگان آن است که: اولاً، اگرچه اعانه بر اثم، لزوماً به صورت سازمان یافتگی رخ نمی‌دهد ولی با توجه به گسترش و پیشرفت فناوری، شرکت در جرم به صورت گروه‌های سازمان یافته‌ای تشکیل می‌شوند که اعضای آن به‌طور هدفمند و منسجم و با تقسیم وظایف در ارتکاب جرم مشارکت می‌نمایند.

ثانیاً؛ در جرم سازمان یافته چون همه افراد به صورت یک زنجیره و شبکه‌ای عمل می‌کنند و به دنبال یک هدف واحد هستند بر همین اساس، با سازمان یافتگی جرم، عنوان مجرمانه تغییر و به تبع آن مجازات اشد می‌گردد.

واژگان کلیدی: سازمان یافتگی جرم، اعانه بر اثم، تشکیلات، تشدید مجازات، مشارکت در جرم.

\*. تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۴/۲۰ تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۱۰/۱۲.

\*\* استادیار گروه حقوق مؤسسه آموزش عالی رهجویان دانش استان بوشهر (h.soleymani@mail.um.ac.ir).

## مقدمه

امروزه اشکال جرم با تحوّل جوامع و پیشرفت فناوری از حالت بسیط خود غالباً خارج شده‌اند و به صورت سازمان‌یافته و با تشکیلاتی پیچیده واقع می‌شود. این گونه جرایم، به خاطر وجود تشکیلات هدفمند و برنامه‌ریزی‌شده با داعی خاصّ و به‌طور مستمرّ فعالیت می‌شود، به مراتب از جرایم عادی و فردی خطرناک‌تر است و توان مقابله و مجازات شدیدتری می‌طلبد.

جرم‌سازمان‌یافته، از جمله مباحثی است که در سال‌های اخیر در محافل حقوقی ایران وارد شده‌است. ارتکاب جرم، ممکن است به‌صورت فردی و عادی یا سازمان‌یافته صورت گیرد که امروزه بزهکاری‌های خطرناک، نه به‌صورت فردی بلکه غالباً به‌صورت سازمان‌یافته واقع می‌شود. «جرم‌سازمان‌یافته» معادل فارسی اصطلاح انگلیسی موسوم به «Organized Crime» است. در زبان عرب نیز با معادل‌های مختلفی چون «الجريمة المنظمة» و «الجريمة التنظيمية» به‌کاررفته است.

کنوانسیون پالمو، از اساسی‌ترین و مهم‌ترین اسناد بین‌المللی است که به موضوع جرم‌سازمان‌یافته و مبارزه با آن پرداخته‌است؛ در بند الف ماده ۲ آن کنوانسیون «گروه بزهکار سازمان‌یافته» چنین تعریف شده‌است: «گروه جنایی سازمان‌یافته، یک گروه واجد ساختار تشکیلاتی مرکب از سه نفر یا بیشتر است که برای مدت‌زمانی موجودیت می‌یابد و باهدف ارتکاب یک یا چند جنایت شدید یا جرایم مندرج در این کنوانسیون به‌منظور تحصیل مستقیم یا غیرمستقیم یک نفع مالی یا نفع مادی دیگر به‌طور هماهنگ فعالیت می‌کند» (سلیمی، جنایت سازمان‌یافته فراملی، ۳۵ و ۳۷). از این تعریف می‌توان به‌عنوان یک تعریف بین‌المللی در مورد جرم‌سازمان‌یافته یاد کرد و بر اساس آن، عناصر جرم‌سازمان‌یافته را جست‌وجو نمود و ملاکی برای تعریف جرم‌سازمان‌یافته در حقوق داخلی باشد. در تعریف مذکور، وجود گروه بیش از دو نفر، تبانی و برنامه‌ریزی بین اعضا، استمرار قابل ملاحظه فعالیت مجرمانه و انگیزه‌ی مالی آن فعالیت مجرمانه به‌عنوان مقومات و عناصر جرم‌سازمان‌یافته قلمداد شده‌است.

در حقوق داخلی، اگرچه سازمان یافتگی جرم قابل ردیابی است ولی به نظر می‌رسد تعریف جامع و مانعی در جهت کسب معیار و ملاک جرم سازمان یافته قابل جست و جو نیست. در تبصره ۱ ماده ۱۳۰ ق.م.ا گروه مجرمانه مورد تعریف قرار گرفته است که مقرر می‌دارد: «گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد». جرم سازمان یافته، اگرچه عمدتاً از طریق این گروه‌های مجرمانه و به صورت هماهنگ و سلسله‌مراتب و از روی تباری ارتکاب می‌یابد که سرده‌ی گروه مجرمانه سازمان یافته در رأس گروه مجرمانه تلاش می‌کند از طریق اعضا گروه، به اهداف مالی و مادی دست یابد، ولی باید گفت: ماده مذکور، گروه مجرمانه سازمان یافته را معرفی و مفهوم‌سازی نکرده بلکه صرفاً گروه مجرمانه را تعریف کرده و عناصر اساسی جرم سازمان یافته را ملاحظه ننموده است و به نظر این تعریف بیشتر شامل جرایم گروهی و شراکتی و بانندی می‌شود تا جرایم سازمان یافته. قانون‌گذار در بند «س» ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز،<sup>۱</sup> تعریفی از قاچاق سازمان یافته ارائه کرده است. مطابق بند فوق، قاچاق سازمان یافته «جرمی است که با برنامه‌ریزی و هدایت گروهی و تقسیم کار توسط یک گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم قاچاق، تشکیل یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم قاچاق منحرف شده است، صورت می‌گیرد». به نظر می‌رسد، قانون‌گذار به طور خاص و مستقل جرم سازمان یافته را تعریف نکرده و بلکه بر اساس اسناد بین‌المللی به تعریف قاچاق سازمان یافته پرداخته است که یکی از مصادیق جرم سازمان یافته است. با ارائه این تعریف ملاحظه می‌شود که برخی از عناصر اساسی جرم سازمان یافته در «جرم قاچاق کالا و ارز سازمان یافته» یعنی وجود گروه و تشکل بیش از دو نفر، تباری و برنامه‌ریزی بین اعضا و انگیزه‌ی ارتکاب جرم در نظر گرفته شده است ولی به عنصر اساسی استمرار فعالیت مجرمانه اشاره‌ای نکرده است.

مع الوصف، با الهام از تعاریف مختلف و اسناد بین‌المللی ویژه کنوانسیون پالمو،

جرم سازمان یافته است که به صورت گروه هدفمند و از روی تباری و مستمر در جهت کسب منافع مادی محقق شود. بنابراین، گروهی بودن، تباری بین اعضا، استمرار قابل ملاحظه فعالیت مجرمانه و کسب منافع مالی از ارکان و مقومات جرم سازمان یافته قلمداد می شود. در این نوشتار تلاش بر این است که به روش تحلیلی - توصیفی و با بهره مندی ابزاری از اسناد و منابع کتابخانه ای، مقایسه ای بین جرم سازمان یافته و اعانه برائت داشته باشیم تا بتوان ریشه یابی فقهی از سازمان یافتگی جرم ایجاد نماییم و با نگاه فقهی، سازمان یافتگی جرم در حقوق موضوعه ملاحظه شود.

### مقومات سازمان یافتگی جرم در پرتو اعانه بر اثم

اعانه بر اثم، گاهی از باب مشارکت در جرم و گاهی از باب معاونت در جرم واقع می شود. بر این اساس، جرم سازمان یافته را در هر دو مقوله مورد بررسی و تحلیل قرار می دهیم.

#### ۱. مشارکت در جرم

یکی از عناوین فقهی که وقوع جرم سازمان یافته علی الاصول به این صورت ارتکاب می یابد، مشارکت در جرم است. ارتکاب جرم گاهی به صورت فردی و گاهی به صورت گروهی واقع می شود و امروزه هم با گسترش وقوع جرایم و با توجه به گسترش و پیشرفت فناوری، از یک سو مجرمان شیوه های ارتکاب جرم خود را تغییر داده اند و جهت ارتکاب آسان تر جرم و رسیدن به اهداف مجرمانه، به دنبال شرکایی برای خود می باشند و جرایم را در قالب مشارکتی و گروهی انجام می دهند و از سوی دیگر، جرایم ارتکابی در قالب مشارکتی، از صورت عادی خود خارج شده اند و بلکه به سازمان یافته سوق پیدا کرده اند؛ بنابراین، در آغاز به ماهیت مسئله پرداخته و سپس سازمان یافتگی جرم را در آن بررسی می کنیم.

#### ۱-۱. مفهوم شناسی مشارکت در جرم

شرکت در لغت به معنای دخالت در امری و همکاری و سهیم بودن دو یا چند نفر در کاری

آمده است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۵/۲۹۳؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۳/۵۹۱؛ فیروزآبادی، بی تا: ۳، ۳۰۸).

از نظر فقهی، اصولاً شرکت در جرم، به طور مستقلّ مورد تعریف قرار نگرفته است و بلکه فقط شرکت در قتل مورد بحث قرار گرفته است که به موجب آن شرکت در قتل زمانی محقق می شود که حدّ اقل دو نفر در قتل دخیل باشند به گونه ای که اقدام هر یک از شرکا به تنهایی کشنده باشد یا اگر به تنهایی کشنده نیست در اثر جراحت حاصل عمل شرکا، شخص بمیرد (خویی، ۱۴۱۳: ۲/۲۷-۲۶؛ خمینی، ۱۳۹۰: ۲/۵۱۷). از منظر حقوق دانان، تعریف های گوناگونی از شرکت در جرم بیان شده است که مبتنی بر همان ملاک فقها شرکت در جرم است. برخی آورده اند شرکت در جرم زمانی مصداق پیدا می کند که حدّ اقل دو نفر با همکاری و مساعدت یکدیگر، عملیات اجرایی تشکیل دهنده جرم را تحقق بخشند (شامبیاتی، ۱۳۹۳: ۱۸۴). بعضی بر اساس مواد قانون مجازات اسلامی شرکت در جرم را چنین تعریف کرده اند: «در جرایم قابل شراکت، هرگاه دو یا چند نفر عملیات اجرایی تشکیل دهنده جرمی را بی واسطه یا با واسطه انجام دهند، به گونه ای که جرم، به همه آنها مستند باشد، شرکت در جرم تحقق یافته است» (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۲: ۱۵). بعضی دیگر نوشته اند: شریک جرم به کسی گفته می شود که در صحنه جرم حضور داشته و بخشی از عملیات اجرایی جرم را انجام داده باشد؛ بنابراین، اگر همکاری و مساعدت در ارتکاب جرم، با این وصف باشد، شریک در جرم اطلاق می شود ولی اگر همکاری و مساعدت بدون حضور در صحنه جرم و به طور غیرمستقیم باشد، معاون در جرم محسوب می شود (ساک، ۱۳۹۲: ۲/۳۶). برخی آورده اند: شرکت در جرم، به معنای مباشرت در ارتکاب جرم است و شرکا در جرم، اشخاصی هستند که نقش مستقیم در انجام جرم دارند (زراعت، ۱۳۹۲: ۱/۲۶۵).

قانون گذار هم در ماده ۱۲۵ ق.م.ا شرکت در جرم را تعریف نموده اند.<sup>۲</sup>

بنابراین، با مطالب مطرح شده، عناصر اساسی شرکت در جرم عبارت اند از:

۱. وجود تعدّد مجرمان در عمل مجرمانه؛ یعنی حدّ اقل دو نفر در انجام ارتکاب جرم

دخیل و مشارکت داشته باشند به گونه‌ای که عملیات اجرایی به وسیله آن‌ها تحقق پذیرد.

۲. جرم واقع شده باید جزء جرایمی باشد که قابل شرکت باشد. به عبارت دیگر، برخی از جرایم هستند که تنها با یک نفر قابل تصور است که در این موارد شرکت جاری نیست. به عنوان مثال جرم شرب خمر و ترک نفقه زوجه فقط از یک نفر قابل صدور است و شرکت محقق نمی‌شود.

۳. استناد جرم به همه‌ی افراد باشد. براین اساس، صرف مشارکت و همکاری در ارتکاب جرم، جرم به صورت مشارکت نمی‌باشد (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۲: ۱۶-۱۵).

بنابراین، در مشارکت در جرم که دو یا چند نفر در عملیات اجرایی جرم دخیل هستند، تباری و توافق و برنامه‌ریزی افراد گروه در ارتکاب جرم، لازم نیست.

نکته حایز اهمیت آنکه برخی از فقها بین جرم فردی و غیر سازمان یافته با جرم تشکیلاتی و سازمان یافته، قایل به تفکیک شده‌اند یعنی در صورتی که جرم به صورت سازمان یافته واقع شود، می‌توان کسانی را که در عملیات اجرایی جرم به طور دقیق دخالت نداشته‌اند ولی جزء اعضا گروه و تشکل در ارتکاب جرم بوده‌اند، شریک در جرم به شمار آورد و همگی به عنوان شرکت در جرم مجازات شوند. در این باره، آیت الله موسوی اردبیلی از فقهای معاصر در قسمت شرایط سرقت حدی آورده‌اند: گاهی جرایم به طور فردی محقق می‌شود؛ مثل اینکه کسی به قصد سرقت هتک حرز می‌کند ولی از سرقت منصرف می‌شود و دیگری از حرز، مالی را می‌برد. در این حالت، دست هیچ‌یک از آن‌ها قطع نمی‌شود و حکم صحیح است؛ ولی گاهی به صورت گروهی و سازمان یافته صورت می‌گیرد به گونه‌ای که برای هر عضو از اعضا وظیفه خاصی بر حسب تخصص و باهوشی آن‌ها نهاده می‌شود همان گونه که در سازمان‌های جاسوسی و شبکه‌های تروریستی به این نحو می‌باشد و در حقیقت یک شبکه و تشکل بزرگی هستند که به منزله یک زنجیره هستند که هر فرد از اعضا این گروه به منزله یک حلقه از این زنجیره می‌باشد. براین اساس، سؤال آن است که آیا درست است که به همان شکل و شیوه‌ای که

جنایت فردی ملاحظه می‌شود، شبکه‌ها یا گروه‌های سازمان یافته جنایی در نظر گرفته شود؟ آیا صحیح است در موضوع بحث گفته شود که دست هیچ یک از اعضا گروه سازمان یافته سرقت یا باند سرقت قطع نمی‌شود مگر کسی که هم هتک حرز کرده و هم مال را از حرز برده؟ آیا با این روش مجازات حد ساقط نمی‌شود؟ و آیا باعث باز شدن باب سرقت نمی‌شود؟ در نتیجه باید گفت: بعید نیست که با همه‌ی اعضای شبکه و گروه همانند یک فرد رفتار شود و در صورتی که گروهی منسجم و سازمان یافته، حرزی را هتک می‌نمایند و مالی از آن برده شود، همه‌ی اعضای آن گروه محکوم به قطع عضوند گرچه کسی که مال را برده، هتک حرز نکرده و آنکه هتک حرز کرده، مالی را نبرده باشد<sup>۳</sup> (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۹: ۳/۵۴-۵۳).

بر اساس این دیدگاه، در جرایم سازمان یافته، کسانی که در عملیات اجرایی جرم مشخصاً دخالت نداشته‌اند ولی جزء گروه مجرمانه سازمان یافته بوده‌اند، شریک در جرم قلمداد شده‌است و همگی مجازات مشارکت در جرم را دارند. به عبارت دیگر؛ افرادی که به صورت سردسته و معاون در جرم دخیل بوده‌اند (نه شریک در جرم) از حیث مجازات تغییر عنوان مجرمانه صورت می‌گیرد و تشدید مجازات اعمال می‌شود.

برخی از محققان قایل هستند که در جرایم سازمان یافته تعزیری می‌توان همه‌ی اعضای باند و گروه سازمان یافته را به عنوان شریک در جرم در نظر گرفت؛ زیرا:

اولاً- مصالح اجتماعی و سیاست کیفری اقتضا می‌کند که همگان را شریک در جرم به شمار آورد.

ثانیاً- از نظر فقهی مانعی وجود ندارد چون در جرایم تعزیری قاعده التعزیر لکل حرام، حاکم است و در واقع شخص به خاطر ارتکاب فعل حرام، قابل تعزیر است و آن هم دون الحد. پس اگر کسی در اداره و سازمانی، گروه سازمان یافته‌ای را تشکیل بدهد که اقدام به گرفتن رشوه از ارباب رجوع کند، همه‌ی اعضا اعم از سردسته و رأس گروه و سایر افراد به عنوان شریک در جرم تلقی می‌شوند. ضمناً ایشان معتقدند که در جرایم مستوجب حد یا

قصاص یا دیه، استناد به مشارکت در جرم به همه‌ی اعضا صحیح نیست و بلکه در جرایم تعزیری و بازدارنده بنا به وجود مصالحی که از جمله آن‌ها جلوگیری از وقوع جرم سازمان‌یافته و باندی بودن جرم است، صحیح و قابل دفاع است. براین اساس، همه افراد گروه سازمان‌یافته حتی کسانی که در عملیات اجرایی جرم هم دخالت نداشته‌اند به‌عنوان شریک در جرم قلمداد می‌شوند (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۴۲-۱۴۱).

در قوانین جزایی، در باب سردستگی گروه مجرمانه سازمان‌یافته چنین موضوعی قابل جست‌وجو است. در ماده ۱۳۰ ق.م.ا.ق. قانون‌گذار برای سرده‌ی گروه مجرمانه، مجازات فاعل مادی یعنی شریک را در نظر گرفته است.

با این مطالب، با توجه به جایگاه و تأثیرات مخرب جرم سازمان‌یافته در امنیت و نظم عمومی جامعه و تباهی فراگیر آن به نظر می‌رسد بهترین مقابله با جرم سازمان‌یافته از جهت مجازات، آن است که همه اعضا به‌عنوان مشارکت در جرم ملاحظه گردد. اگر در جرایم حدی به این عنوان قایل نباشیم اما در جرایم تعزیری سازمان‌یافته به نظر می‌رسد این عنوان موافق با عقل و مصلحت باشد.

## ۲-۱. رابطه سازمان یافتگی جرم با مشارکت در جرم

مشارکت در جرم اگرچه حتماً به سازمان‌یافتگی جرم منجر نمی‌شود ولی شایان‌ذکر است که امروزه با توجه به گسترش و پیشرفت فناوری، شرکت در جرم از شکل عادی خود فاصله گرفته است و بلکه امروزه شاهد گروه‌های سازمان‌یافته‌ای هستیم که اعضا و شبکه‌ی آن به‌طور هدفمند و منسجم و با تقسیم وظایف در ارتکاب جرم مشارکت می‌نمایند. با این مبنا، عناصر جرم سازمان‌یافته در مشارکت در ارتکاب جرم عبارت‌اند از:

۱. گروهی بودن، از عناصر مادی جرم سازمان‌یافته است. همان‌طور که گذشت تعدد افراد از ارکان اساسی مشارکت در جرم است. شاید بتوان گفت؛ با توجه به اینکه امروزه جرایم مشارکتی به‌صورت گروهی سازمان‌یافته ارتکاب می‌یابند لذا بیش از دو نفر در



ارتکاب جرم دخیل هستند. البته، نفس شراکت در جرم الزاماً بیش از دو نفر نیست. ۲. تبانی و برنامه‌ریزی گروه در جهت ارتکاب جرم، از دیگر عناصر مادی جرم سازمان‌یافته می‌باشد. در شراکت در جرم لازم نیست که حتماً تبانی و توافق بین اعضا در ارتکاب جرم وجود داشته باشد. براین اساس، تبانی و برنامه‌ریزی گروه به‌عنوان عنصر اساسی سازمان‌یافتگی جرم، در شراکت در جرم الزامی نیست. اگرچه در غالب جرایم شراکتی و بانندی، تبانی وجود دارد.

از ارکان جرم‌سازمان‌یافته؛ استمرار فعالیت مجرمانه و داعی مالی به‌طور قطعی و روشن در مشارکت در جرم قابل جست‌وجو نیست. بنابراین، بایدگفت؛ اگرچه اصولاً مشارکت در جرم به‌صورت سازمان‌یافته محقق می‌شود ولی خود مشارکت در جرم فی‌نفسه سازمان‌یافتگی جرم در آن به‌طور مشخص و معین قابل جست‌وجو نیست.

## ۲. معاونت در جرم

معاونت در جرم، از عناوین فقهی اعانه‌بر اثم است که وقوع جرم‌سازمان‌یافته علی‌الاصول به این صورت ارتکاب می‌یابد. در آغاز ماهیت معاونت در جرم بررسی می‌شود و سپس، سازمان‌یافتگی جرم را در آن جست‌وجو و تحلیل می‌کنیم.

### ۲-۱. مفهوم‌شناسی معاونت در جرم

در اصطلاح فقهی، تعریف‌های مختلفی از معاونت آمده است که اکثر فقها به معنای مهیتا و مساعدت نمودن مقدمات جرم و گناه تعریف کرده‌اند (خویی، ۱۴۱۳: ۱/۲۸۶-۲۸۵). از جمله میرزای نائینی می‌گوید: «اعانه یعنی انجام دادن آنچه دیگری را قادر می‌سازد تا به مطلوبش برسد» (آملی، ۱۴۱۳: ۱/۲۷). برخی دیگر، مساعدت و یاری کردن به گناهکار در گناهی که از او صادر می‌شود، اعانه بر گناه تعریف کرده‌اند (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱/۳۶۶).

از منظر حقوق‌دانان، معاون جرم به کسی گفته می‌شود که شخصاً در ارتکاب و انجام

عنصر مادی قابل استناد به مباشر یا شرکای جرم دخالت نداشته و بلکه از طریق تحریک، ترغیب، تهدید، تطمیع، دسیسه، فریب و نیرنگ، ایجاد تسهیلات در وقوع جرم، تهیّه وسایل و یا ارائه طریق در ارتکاب رفتار مجرمانه مباشر همکاری و دخالت داشته باشد (گلدوزیان، ۱۳۹۲: ۲۴۴-۲۴۵) قانون‌گذار در ماده ۱۲۶ ق.م.ا<sup>۵</sup> معاونت در جرم را تعریف کرده است.

بنابراین، با توجه به دیدگاه فقها، حقوق‌دانان و قانون مجازات اسلامی می‌توان گفت: معاون در جرم به کسی گفته می‌شود که در ارتکاب و انجام عنصر مادی جرم دخالت نداشته و بلکه مقدمات جرم را برای مباشر یا شرکا مهیّا می‌کند.

نکته حایز اهمیت در مسئله، شرایط تحقق معاونت در جرم است. بر اساس دیدگاه فقها و قانون مجازات اسلامی به‌طور مختصر شروط اساسی آن عبارت‌اند از:

۱. تعدّد افراد: در معاونت باید حدّاقل دو نفر در ارتکاب جرم وجود داشته باشد و امکان جمع بین دو عنوان در یک نفر وجود ندارد؛ بنابراین، روشن می‌شود که معاونت در جرم، فردی صورت نمی‌گیرد و باید حدّاقل دو نفر وجود داشته باشد.

۲. وجود علم: غالب فقها علم و آگاهی را از شرایط تحقق معاونت می‌دانند (طوسی، ۱۳۶۵: ۳۷۲/۶؛ بحرانی، بی‌تا: ۱۸/۲۰۵-۲۰۴).

۳. وجود قصد: از شرایط دیگر آن است که مُعین علاوه بر علم و آگاهی، به‌قصد تحصیل جرم به مباشر، کمک و مساعدت نماید و صرف علم کافی نیست (نراقی، ۱۴۱۷: ۷۹؛ انصاری، ۱۴۱۵: ۱/۱۳۶).

۴. وجود وحدت قصد در عمل مجرمانه: از شرایط دیگر تحقق معاونت، وحدت و توافق قصد و تقدّم زمانی یا هم‌زمان بودن قصد میان مباشر و مُعین در ارتکاب جرم است که در ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی به این شرط اشاره شده است.

۵. مجرمانه بودن عمل مورد معاونت: برخی موارد، هرچند عمل صورت گرفته حرام است ولی عنوان جرم بر آن وضع نشده است پس معاونت در آن صدق نمی‌کند مثل

خودکشی.

۶. وقوع جرم در خارج توسط معان: برخی از فقها بر شرط بودن تحقق معان علیه در خارج تأکید دارند و از شرایط معاونت می‌دانند؛ بنابراین، برخی آورده‌اند: علاوه بر قصد، تحقق نتیجه در خارج بر صدق عنوان معاونت شرط است و براین اساس، اگر نتیجه‌ای حاصل نشود، یاری کننده نه به خاطر معاونت بلکه به خاطر تجزی و قصد ایجاد معصیت مجازات می‌شود (محقق داماد، ۱۳۸۸: ۱۹۱). صاحب مصباح‌الفقاهه بیان می‌دارد: معاونت زمانی صادق است که معان علیه در خارج تحقق یابد و الا معاونت واقع نمی‌شود (خویی، ۱۴۱۳: ۱/ ۲۸۶). برخی گفته‌اند: مناط معاونت، وجود قصد با تحقق معان علیه باهم می‌باشد (نراقی، ۱۴۱۷: ۷۹) ولی در مقابل بعضی از فقها حصول نتیجه را شرط نمی‌دانند (حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ۱/ ۵۶۶-۵۶۷).

۷. نقش غیرمستقیم معاون در عملیات مقدماتی جرم: معاون در عناصر جرم دخالت ندارد و بلکه معاون به‌عنوان کمک‌کننده در انجام جرم است. براین اساس، ملاک تحقق معاونت، کمک کردن به انجام معاصی است به‌طوری‌که تسهیل‌کننده گناه بر آن صدق کند (مقدس اردبیلی، بی‌تا: ۲۹۷؛ مرعشی شوشتری، ۱۳۷۵: ۱۰).

در نتیجه، می‌توان گفت: هرچند برخی از شرایط تحقق معاونت در جرم، محل اختلاف نظر است، ولی گروهی بودن و وجود توافق و تبانی بین معین و معان قطعی است..

## ۱-۲. رابطه سازمان یافتگی جرم با معاونت در جرم

معاونت در جرم همانند مشارکت در جرم اگرچه لزوماً به‌صورت سازمان‌یافتگی رخ نمی‌دهد، ولی جرم‌سازمان‌یافته اصولاً با معاونت محقق می‌شود و وجود معاونت نیز از ارکان غالب جرایم سازمان‌یافته است. ازاین‌روی، عناصر جرم‌سازمان‌یافته در معاونت در جرم عبارت‌اند از:

۱. گروهی بودن، از عناصر مادی جرم‌سازمان‌یافته است. همان‌طور که گذشت تعدد

افراد از ارکان اساسی معاونت در جرم است. شاید بتوان گفت: با توجه به اینکه امروزه غالب جرایم سازمان‌یافته به‌طور معاونتی و قدرت مرکزی در رأس هرم محقق می‌شود لذا بیش از دو نفر در ارتکاب جرم دخیل هستند. البته، معاونت در جرم حداقل با دو نفر محقق می‌شود.

۲. تبانی و برنامه‌ریزی گروه در جهت ارتکاب جرم، از دیگر عناصر مادی جرم سازمان‌یافته است. همان‌طور که قبلاً بیان گردید در معاونت در جرم، تبانی و توافق بین اعضا ضروری است.

۳. از عناصر معمول در جرم‌سازمان‌یافته، سلسله‌مراتب است. در عنصر سلسله‌مراتب، نقش عینی و کاری، شرکای جرم هستند اما در واقع رهبران و آمران، سازمان جرم را طراحی و هدایت می‌کنند و نقش فساد آمیز آن‌ها از شرکا و مباشران بیشتر است که این رهبران و آمران، معاون جرم تلقی می‌شوند (شمس ناتری، ۱۳۸۳: ۱۲۶) که به‌صورت گروه منسجم، هدفمند، روشمند و با توافق و تبانی یکدیگر جرم را انجام می‌دهند.

۴. از دیگر عناصر معمول جرم‌سازمان‌یافته آن است که در گروه مجرمانه، تقسیم وظایف وجود دارد. در معاونت، تقسیم منظم وظایف که معاون یا معاونان به‌عنوان طراح، هدایت‌گر و رهبران و یا سردسته جرم قرار می‌گیرند و شرکا با رهبری آن‌ها اقدامات مجرمانه انجام می‌دهند که نقش آمران و رهبران، کمتر از شرکا نیست و حتی می‌توان گفت بیشتر از آن‌ها هم است (سلیمی، ۱۳۹۱: ۳۶).

### ۳. تأثیر سازمان یافتگی جرم در مجازات در پرتو اعانه بر اثم

نکته اساسی آن است که برخی از فقها در مورد جرمی که به‌صورت سازمان‌یافته و گروهی واقع می‌شود و کسی یا کسانی که در عملیات اجرایی جرم دخالت نداشته ولی از اعضا گروه بوده و بلکه به‌عنوان معاون یا معاونان و کمک‌کننده در جرم بوده‌اند را به‌عنوان مشارکت در جرم شناخته است و مجازات شراکت در جرم را شامل همه اعضا و

گروه می‌داند. اگر جرمی به صورت فردی و غیر گروهی واقع گردد و همان جرم به شکل گروهی و سازمان یافته صورت گیرد، در این صورت مجازات اعضا و گروه همانند مجازات مباشر در جرم است. به تعبیر دیگر؛ همه افراد، شریک در جرم قلمداد می‌شوند و مجازات تشدید می‌شود. آیت الله موسوی اردبیلی در بحث محاربه معتقدند: در صورتی که محاربه به صورت گروهی و سازمان یافته محقق شود، «ردء»<sup>۶</sup> و «طلیع»<sup>۷</sup> که در عناصر و رفتار مجرمانه به طور دقیق دخیل نیستند، به عنوان مشارکت در جرم و محارب محسوب و اشد مجازات جاری می‌شود (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۹: ۳/ ۵۳۲).<sup>۸</sup> بنابراین، با اینکه «ردء» و «طلیع» شریک در جرم محاربه نیستند و بلکه به عنوان معاونان در جرم تلقی می‌شوند ولی به خاطر سازمان یافتگی در جرم، عنوان معاونت در جرم آن‌ها تغییر و مشارکت در جرم قلمداد می‌شوند و اشد مجازات یعنی مجازات محارب حکم داده می‌شود. ایشان این موضوع را در بحث سرقت حدی هم بیان کرده‌اند و معتقدند؛ سرقت حدی که به صورت گروهی و سازمان یافته صورت گیرد و یک نفر هتک حرز می‌کند و مال را می‌برد، در اینجا باید گفت که این هتک حرز متعلق به تمامی اعضا و گروه بوده است. پس، همه اعضا محکوم به قطع عضو هستند، گرچه کسی که مال را برده، هتک حرز نکرده باشد و یا آن کسی که هتک حرز کرده، مالی را نبرده باشد. در اینجا هم با وجود سازمان یافتگی در جرم سرقت حدی، همه اعضا به عنوان مشارکت در جرم شناخته می‌شوند و تشدید مجازات یعنی قطع جاری می‌شود (موسوی اردبیلی، بی تا: ۳/ ۵۳۲). بر اساس این دیدگاه؛ به دست می‌آید که در جرم تعزیری یا حدی که به صورت سازمان یافته انجام گیرد، همه اعضا به عنوان شریک در جرم قلمداد می‌شوند و مجازات مشارکت در آن جرم جاری می‌شود هرچند که برخی از اعضا و گروه در آن جرم به صورت دقیق مداخله نداشته باشند. بر همین اساس، بعضی از حقوق دانان هم قایل هستند که در جرایم بانندی و سازمان یافته نه تنها سردسته، بلکه اعضای باند را نیز می‌توان شریک در جرم دانست؛ هرچند که برخی از اعضای باند در عملیات اجرایی

جرم دخالت نداشته‌اند (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۲: ۳۱). براین اساس، به دلیل استناد جرم به آنها، همه اعضا مجازات شراکت در جرم پیدا می‌کنند. منتها ایشان بر خلاف نظر فقهی فوق‌الاشعار تسری شراکت در جرم به همه اعضای جرایم سازمان‌یافته و باندی را خاص جرایم تعزیری می‌دانند و چنین امری را در جرایم حدی، قصاص و مستوجب حد بر اساس موازین فقهی امکان‌پذیر نمی‌دانند (حاجی ده‌آبادی، همان: ۳۲).

امروزه با توجه به توسعه جوامع که شیوه‌های ارتکاب جرایم از حالت فردی خارج شده و روی به جرایم سازمان‌یافته آورده و تبعات و آثار سوء این گونه جرایم به مراتب زیادتری از جرایم غیرسازمان‌یافته می‌باشد، شاید بتوان توسعه حکم به جرایم حدی هم قابل قبول دانست. اما در هر حال می‌توان گفت: با سازمان‌یافتگی و تشکیلاتی بودن جرم، عنوان مجرمانه تغییر و کسانی که معاونت در جرم داشته‌اند و در عملیات اجرایی جرم دخالتی نداشته‌اند را به عنوان شرکای در جرم قلمداد کرد و به تبع آن مجازات آنها اشد می‌گردد.

## نتیجه

از پژوهش حاضر می‌توان به این نتیجه رسید:

اگرچه تمامی مقومات سازمان‌یافتگی جرم در اعانه‌برائتم به‌طور مشخص و معین قابل جست‌وجو نیست ولی با توجه به برخی از عناصر سازمان‌یافتگی جرم می‌تواند به‌عنوان نشانه فقهی از جرم سازمان‌یافته تلقی گردد. جرم سازمان‌یافته اصولاً با معاونت محقق می‌شود و وجود معاونت نیز از ارکان غالب جرایم سازمان‌یافته است. بعلاوه؛ با ملاحظه زمان و مکان فعلی و پیچیدگی و پیشرفت جوامع امروزی، شاید بتوان گفت: اعانه‌برائتم جزء وجودات جرایم سازمان‌یافته است و جرمی بدون اعانه، سازمان‌یافته تلقی نمی‌شود. نکته اساسی اینکه در جرم سازمان‌یافته چون همه افراد به‌صورت یک زنجیره و شبکه عمل می‌کنند و به دنبال هدف واحد هستند، شاید بتوان همه‌اعضا را

به عنوان مشارکت در جرم قلمداد نمود و حتی افرادی که در جرم به صورت دقیق مداخله نداشته اند را به عنوان شریک در جرم در نظر گرفت و مجازات نمود و به تبع آن با تغییر عنوان مجرمانه، تشدید مجازات صورت گیرد و در این باره می توان به نظر آیت الله موسوی اردبیلی استشهد نمود.

## پی‌نوشت‌ها

۱. بند «س» ماده ۱ مقرر می‌دارد: «جرمی است که با برنامه‌ریزی و هدایت گروهی و تقسیم‌کار توسط یک گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم قاچاق، تشکیل یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم قاچاق منحرف شده‌است، صورت می‌گیرد».

۲. ماده ۱۲۵ در مورد شرکت در جرم مقرر می‌دارد: «هر کس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرایی جرمی مشارکت کند و جرم، مستند به رفتار همه آن‌ها باشد خواه رفتار هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنان مساوی باشد خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم است. در مورد جرایم غیرعمدی نیز چنانچه جرم، مستند به تقصیر دو یا چند نفر باشد مقصران، شریک در جرم محسوب می‌شوند و مجازات هر یک از آنان، مجازات فاعل مستقل آن جرم است».

تبصره- اعمال مجازات حدود، قصاص و دیات در مورد شرکت در جنایت با رعایت مواد کتاب‌های دوم، سوم و چهارم این قانون انجام می‌گیرد».

۳. «تاره تكون الجرائم بشكل فردی و غیرتنظیمی و فی هذا النحو من الجرائم قد يكون العامل فرداً واحداً - مثل ان يكون هاتك الحرز و الاخذ منه فی مسالنتنا شخصاً واحداً - و قد يكون اكثر من واحد و لكن من دون انسجام و تنسيق بين الافراد كما اذا هتك الحرز شخص و لو للسرقة ثم انصرف فجاه شخص آخر و اخذ منه شيئاً ففی هذه الحالة صح ما قاله الاصحاب و لا اشكال فيه و اخرى تكون الجرائم بشكل جماعی و تنظیمی بحيث يكون على كل فرد من الافراد وظيفة خاصة بحسب تخصصه و فطنته كما يكون الامر كذلك فی الشبكات الارهابية و العصابات التهريبية و التجسس و فی الحقیقه كانت الشبکه بمنزله غل طويل ذات حلقات و كل فرد من افرادها بمنزله حلقة من ذاك الغل و حينئذ فالسؤال هو انه: هل يصح ان نلاحظ بالنسبة الى تلك الشبكات الجنائية ما نلاحظ و نحاسبه بالنسبة الى الجنایات الفردية؟ و هل يصح ان نحكم فی مسالنتنا بانه لايقطع من افراد شبکه السرقة الا من هتك الحرز و اخذ منه؟ فهل لا يكون هذا ذريعة الى اسقاط الحد و ارتكاب جرایم بشعه؟ و هل لايجب هذا انفتاح باب السرقة؟ و من هنا لا يبعد القول بانه يعامل مع الشبکه و العصبه بجميع افرادها معامله فرد واحد؛ فاذا هتكت الشبکه بمجموعها الحرز و اخذت منه، فالقطع على جميع افرادها و ان كان الاخذ غير الهاتك و غير الاخذ فتأمل».

۴. ماده ۱۳۰ مقرر می‌دارد: «هرکس سردستگی یک گروه مجرمانه را برعهده‌گیرد به حد اکثر مجازات



شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، محکوم می‌گردد مگر آنکه جرم ارتكابی موجب حدّ یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت به حدّاکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود. در محاربه و افساد فی الارض زمانی که عنوان محارب یا مفسد فی الارض بر سردهسته گروه مجرمانه صدق کند حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم می‌گردد.

تبصره ۱: گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتكاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتكاب جرم منحرف می‌گردد.

تبصره ۲: سردستگی عبارت از تشکیل یا طرّاحی یا سازمان‌دهی یا اداره گروه مجرمانه است.

۵. ماده ۱۲۶ در مورد معاونت در جرم مقرر می‌دارد: «اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند:

الف) هرکس، دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع، یا تحریک به ارتكاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوء استفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد.

ب) هرکس وسایل ارتكاب جرم را بسازد یا تهیّه کند یا طریق ارتكاب جرم را به مرتکب ارائه دهد.

پ) هرکس وقوع جرم را تسهیل کند.

تبصره- برای تحقّق معاونت در جرم، وحدت قصد و تقدّم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است. چنانچه فاعل اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده است مرتکب شود، معاون به مجازات معاونت در جرم خفیف‌تر محکوم می‌شود».

۶. «ردء» به کسی گفته می‌شود که به محارب کمک می‌کند بدون اینکه در عملیات محاربه دخیل باشد.

۷. «طلبع» به کسی گفته می‌شود که برای محارب اطلاعات می‌برد.

۸. «فلو كانت المحاربة يتصدّ جمعی و يشكل تنظيمی كالشبكات الارهابية الموجودة في هذا الزمان حيث يقسمون العمل بينهم و تكون على كل فرد من افراد الشبكة وظيفة خاصة بحسب تخصصه و مهارته و بعضهم ياخذون السلاح و الآخرون يقصدون اموراً اخرى ففي هذه الحالة الكل محاربون لان المحاربة هنا عبارة عن مجموعه من الاعمال المختلفه التي بعضها يكون عملاً عسكرياً قتالياً و البقية في جوانب اخرى ذات علاقة به غير ان جميعها مترابطة فيما بينها... اذا كانت بشكل الشبكات و العصابات و حينئذٍ فلا يصح ان يقال: ان الرد و الطبع و امثالهما من المعاونين لا يكونون من مصاديق المحارب مستدلاً بانهم لم يقصدوا الاخافه و لم يجردوا السلاح».

## کتابنامه

- .....
- آملی، محمدتقی، (۱۳۰۴-۱۳۹۱ق). المکاسب و البیع (تقرير بحث النائینی)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسين حوزه علمیه قم، الاولی، ۱۴۱۳ ق.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۲۱۴ - ۱۲۸۱ ق)، کتاب المکاسب، قم، المؤتمر العالمی بمناسبه الذکری المئویه الثانيه، الاولی، ۱۴۱۵ ق.
- بجنوردی، حسن (۱۲۷۶-۱۳۵۳ق)، القواعد الفقهيّه، تحقيق: مهدي المهريزي - محمد حسين الدرايتي، قم، نشر الهادي، الاولی، ۱۴۱۹ ق.
- بحرانی، يوسف بن احمد (۱۱۰۷-۱۱۸۶ ق)، الحدائق الناضره في أحكام العتره الطاهره، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسين، بی تا.
- حاجی دهآبادی، احمد، «شركت در جرم» در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، حقوق اسلامی (فقه و حقوق)، سال ۱۳، شماره ۵۰، پاییز ۱۳۹۵ ش، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی قم.
- حاجی دهآبادی، احمد، استناد و نقش آن در «شركت در جرم»، مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی تهران، شماره ۵۳، ۱۳۹۰ ش،
- حسینی مراغی، عبدالفتاح بن علی (۱۲۵۰ ق)، العناوين الفقهيّه، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسين، الاولی، ۱۴۱۷ ق.
- خمینی، سیدروح الله (۱۳۶۸ - ۱۲۷۹ ش)، تحرير الوسیله، قم، دار الکتب العلمیه - مؤسسه اسماعیلیان، الاولی، ۱۳۹۰ ق.
- خویی، سید ابوالقاسم، (۱۲۷۸-۱۳۷۱ ش)، مبانی تکمله المنهاج، قم، بی نا، الثانيه، ۱۴۱۳ ق.
- خویی، سید ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، قم، مکتبه الداوری، الاولی، بی تا.
- زراعت، عباس، حقوق جزای عمومی ۱ و ۲، تهران، انتشارات جنگل، دوم، ۱۳۹۲ ش.
- ساکي، محمدرضا، حقوق جزای عمومی (مسئولیت کیفری)، تهران، انتشارات جنگل و جاودانه، اول، ۱۳۹۲ ش.
- سلیمی، صادق، جنایت سازمان یافته فراملی، تهران، انتشارات صدا، دوم، ۱۳۹۱ ش.

مطالعه فقهی سازمان یافتگی جرم در پرتو اعانه بر اثم □ ۸۳

- شامبیاتی، هوشنگ، **حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)**، تهران، انتشارات مجد، دوم، ۱۳۹۳ ش.
- شمس ناتری، محمدابراهیم، **جرایم سازمان یافته**، حقوق اسلامی (فقه و حقوق)، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی قم. سال ۱، تابستان ۱۳۸۳ ش.
- طوسی، محمدبن حسن (۴۶۰-۳۸۵ ق)، **تهذیب الأحكام**، تحقیق و تصحیح: سید حسن الموسوی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، الرابعه، ۱۳۶۵ ش.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۰۰-۱۷۵ ق)، **العین**، تحقیق: مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، بی جا، مؤسسه دار الهجره، الثاني، ۱۴۱۰ ق.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۷۲۹-۸۱۷ ق)، **القاموس المحیط**، بی جا، بی نا، بی تا.
- گلدوزیان، ایرج، **بایسته های حقوق جزای عمومی (۱-۲-۳)**، تهران، میزان، هفتم، پاییز ۱۳۸۲.
- محقق داماد، سیدمصطفی، **قواعد فقه- بخش جزایی**، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، یازدهم، ۱۳۸۸ ش.
- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد (۱۲۰۵)، **تاج العروس من جواهر القاموس**، بیروت-لبنان، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
- مرعشی شوشتری، محمدحسن، **معاونت در جرم**، دیدگاه های حقوق قضایی، دانشگاه علوم قضایی تهران، شماره ۱، بهار ۱۳۷۵ ش.
- مقدّس اردبیلی، احمد بن محمد (۹۹۳ ق)، **زیده البیان فی احکام القرآن**، تحقیق: محمد الباقر البهبودی، تهران، المكتبة الجعفریه لاحیاء الآثار الجعفریه، الاولى، بی تا.
- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (معاصر)، **فقه الحدود و التعزیرات**، قم، مؤسسه النشر لجماعه المفید، الثانيه، ۱۴۲۹ ق.
- نراقی، احمد بن محمد (۱۱۸۵-۱۲۴۵ ق)، **عوائد الايام من مهمات ادله الأحكام**، بی جا، مرکز النشر التابع لمكتب الإعلام الإسلامی، الاولى، ۱۴۱۷ ق.
- قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوّب ۱۳۹۲ ش.
- قانون مجازات اسلامی مصوّب ۱۳۹۲ ش.

